

فتح يك جام، كمترين انتظار از استقلال



بي‌شك هر مربی آرزوي داشتن يك بازيکن پرنفس در هر دو جناح چپ و راست تيمش را دارد. جايي که در استقلال تهران در فصل رو به اتمام، خسرو حیدري منطقه راست خط دفاعي و هافبک استقلال را به نام خودش ثبت کرده و توانسته مفید و موثر واقع شود.

با خسرو حیدري مدافع - هافبک سختکوش استقلال و تيم ملي ايران

فتح يك جام، كمترين انتظار از استقلال

جام جم آنلاين: بي‌شك هر مربی آرزوي داشتن يك بازيکن پرنفس در هر دو جناح چپ و راست تيمش را دارد. جايي که در استقلال تهران در فصل رو به اتمام، خسرو حیدري منطقه راست خط دفاعي و هافبک استقلال را به نام خودش ثبت کرده و توانسته مفید و موثر واقع شود.

او در اين فصل البته مثل همیشه (3، 4 سال گذشته) خوب بود اما از پاس گل‌هايش کمتر شنيديم. با تمام اين اوصاف، در جناح راست او همچنان با فاصله‌اي قابل توجه نسبت به همتايان ايراني‌اش مي‌تازد و قول داده که تا مسابقات مقدماتي جام جهاني (مرحله آخر) همان خسروي هميشگي شود.

فصل سختي را پشت سر گذاشتي؟

همیشه کارکردن در تيم‌هاي پرطرفدار و مدعي سخت است و استقلال هم از اين قاعده مستثني نيست.

اما چنين مساله‌اي در طول اين فصل بيشتري براي شما (بازيکنان استقلال) نمود داشت. اين طور نيست؟

از اين نظر که اين فصل بايد بيشتري بازي مي‌کرديم حق را به شما مي‌دهم.

بيشتري توضيح مي‌دهي؟

خب ما در اين فصل بايد در ليگ برتر، ليگ قهرمانان آسيا و جام حذفی شرکت مي‌کرديم. به علاوه در اواسط راه متوجه شديم به خاطر يکسري اشتباهات صورت گرفته از سوي برخي باشگاه‌ها در مورد ارسال مدارکشان براي کمیته ليگ حرفه‌اي، AFC سهميه‌مان از 4، به 2 به اضافه 2 کم شد. آنجا بود که گفتند ما و ذوب آهن بايد 2 بازي بيشتري در پلي آف انجام بدهيم و اين مساله به نوعي قوزبالاي قوز شد تا ما با وجود آن همه فشار در مسابقات مختلف، اين دو بازي سنگين را هم در برنامه کاري مان بگنجانيم.

تيم ملي را فراموش کردي؟

خير! داشتم مي‌گفتم. علاوه بر همه اين مسابقات سنگين...

... چرا سنگين؟ مگر فقط استقلال بود که در اين رقابت‌ها شرکت داشت؟

خب سنگين به اين خاطر است که همه از ما توقع دارند. ما استقلال هستيم و صدها و هزاران منتقد داريم. کافيست در يك بازي خانگي مساوي کنيم آن وقت است که ده‌ها مقاله و برنامه ورزشي تدارک دیده مي‌شود تا ريزريز مسايل تيم ما را از بالاي باشگاه گرفته تا آن پايين ترين نفرات تيم مان مورد نقد قرار دهند، نقدهايي که انصافاً همه‌شان هم نقد نيستند.

پس چي هستند؟

انتقادهاي مغرضانه و بي‌پايه و اساس.

قبول داري هر تيم و مربی و مديري مخالفان و موافقان خاص خودش را دارند؟

صددرد، اما مخالف به معني مخالف واقعي اگر باشد مشکلي نيست. باور کنيد برخي اوقات نقدهايي را در مورد تيم مان شاهد هستيم که دم دکان هيچ عطاري نمونه‌اش را پيدا نمي‌کنيد. من آدم انتقادپذيري هستم و از اين مساله که کسي اشکال کارم را بگويد خوشحال هم مي‌شوم، اما در مقاطعي در اين فصل ما شاهد بوديم که برخي با ما دشمني مي‌کردند.

چرا؟

نمی‌دانم! اصلاً نمی‌دانم چرا، بحث سهم‌خواهی است؟! بحث حسادت است؟! نمی‌دانم چرا، اما باور کنید که همه انتقادات برای بهبود روند کار استقلال نبود و عده‌ای از ریشه مخالف این تیم و این سرمربی و مدیرعامل باشگاه بودند و هنوز هم به کارشان ادامه می‌دهند.

پس به این خاطر گفتم فصل سختی را داشتی؟

این مسائل البته برای بازیکنان زیاد مشکل‌ساز نیست چون ما بیشتر درگیر بازی‌ها و مسابقاتمان هستیم، اما همین که افسردگی سرمربی و کادر مدیریتی‌مان در باشگاه می‌بینیم به هر صورت روی ما هم تاثیر می‌گذارد و این برای ما خوب نیست، تا آن که یک سرمربی سرخوش و امیدوار را در تمرینات ببینیم. گرچه انصافاً آقای مظلومی همواره سعی می‌کردند که ناراحتی‌هایشان بابت این مسائل را به بچه‌ها منتقل نکنند، اما خب ما هم که بچه نیستیم و از بیرون هم مطلعیم.

با این حساب باز هم خوب نتیجه گرفتید.

این هم از الطاف خداوند بود که توانستیم به‌رغم تمام فشارها یک جام باارزش و سهمیه لیگ قهرمانان آسیا را بگیریم.

انتظارش را داشتی؟

صددرد. ما در اول فصل تیم خوبی بستیم و انتظار کسب یک جام، البته به نظر من حداقل انتظار از این استقلال بود.

چطور توانستید با حواشی کنار بیابید؟

دلیل اصلی‌اش بار تجربی بالای بازیکنانمان بود. مطمئن باشید که اگر میانگین تجربی نفرات استقلال اندکی از این کمتر بود حتی ممکن بود لطمات جبران‌ناپذیری به تیم‌مان وارد شود.

اما نشد!؟

خیر! نشد چون ما همه سرد و گرم چشیده بودیم و از درون دروازه‌مان تا نوك خط حمله که آرش برهانی باشد همه نفرات تیم یا بهتر است بگویم اکثر نفرات باتجربه بودند و در مواجهه با این همه انتقادات غیرمنطقی به خوبی برابرشان ایستادگی کردیم.

اما شما نفرات جوانی هم داشتید. یکی مثل میثم حسینی یا محمودی!

به همان دلیل که گفتم چون نفرات باتجربه بیشتر بودند مسائل به‌راحتی جمع می‌شد. چون این قبیل نفرات هم وقتی آرامش باتجربه‌ترها را می‌دیدند آرام می‌شدند و مشکلی احساس نمی‌کردند.

قصد داشتی از تیم ملی حرف بزنی؟

در آن مورد که پرسیدید فصل سختی بود یا نه می‌خواستم به این نکته اشاره کنم که به دلیل برگزاری اردوهای متعدد تیم ملی و مسابقات دوستانه و رسمی با حریفان آسیایی این مساله هم اسباب فرسوده‌شدن تیم استقلال را فراهم کرد.

چطور؟ چون ملی‌پوش زیاد داشتید؟

فقط بحث ملی‌پوش داشتن نبود. بحث این بود که اکثر دعوت‌شده‌های استقلال فیکس یا یار تعویضی تیم ملی بودند و این مساله سبب می‌شد که وقتی ما به اردوی تیم ملی دعوت می‌شدیم نه‌تنها استراحت نمی‌کردیم بلکه دوباره از اول تمرین می‌کردیم و مسابقه می‌دادیم و دوباره هنوز به اردوی استقلال برگشته باز باید در لیگ برتر یا جام حذفی به میدان می‌رفتیم. حالا تصور کنید چنین تیمی چطور توانست جام حذفی را بگیرد.

شما یک داربی حساس را هم برابر پرسپولیس در جام حذفی برنده شدید!

آن برد واقعا ارزش يك جام را داشت. چون دیده‌ام که هواداران بعضا به ما می‌گویند که اگر در داربی برنده شویم آنها دیگر جام و قهرمانی نمی‌خواهند، اما این بار و در جام حذفی ما با حذف پرسپولیس به فینال هم رسیدیم و توانستیم شاهین بوشهر را مغلوب کنیم.

آن روز چه احساسی داشتی؟

يك جور دیگری خوشحال بودم. همان‌طور که اشاره کردم، ما در این فصل خیلی خیلی تحت فشار بودیم. هم از نظر مسابقات که گفتم 2 بازی اضافی هم در لیگ قهرمانان برای پلی‌آف انجام دادیم و هم از نظر حواشی بیرونی که استقلال را بشدت تحت فشار گذاشته بود. آن جام خیلی به ما چسبید و خستگی تمام آن روزها و شب‌های دشوار را از تن‌مان به در کرد. گرچه از فردای همان روز برای بازی اول فروردین استارت زدیم.

عده‌ای معتقدند که شما در مرحله پلی‌آف هم به نوعی يك رکورد زدید؟!

واقعا همین‌طور است. ما با ذوب‌آهنی مسابقه دادیم که این سال‌ها در آسیا همواره جزو مدعیان کسب عنوان قهرمانی بوده است و پس از آن هم با تیم الاتفاق بازی کردیم که برانکو سرمربی‌اش بود و بخوبی ما را می‌شناخت. آن دو بازی مثل يك تورنمنت کوچک سه‌جانبه بود که استقلال با قهرمانی در آن مسابقات به لیگ قهرمانان رسید و به همین خاطر است که می‌گویم این فصل خیلی برایمان سخت و سنگین بوده است.

هیچ به استراحت هم فکر می‌کنی؟

وای ... ! استراحت؟! یعنی وقتی اسمش را می‌شنوم، دلم می‌رود. البته من ذاتا آدم تنبلی نیستم، اما واقعا به يك استراحت حسابی یکی دو هفته‌ای نیاز دارم تا خستگی این مدت را از تن بیرون کنم.

می‌دانی که پس از پایان لیگ باز هم باید به اردو بروید؟!

البته این در شرایطی است که آقای کرش مرا به تیم ملی دعوت کند، اما این مساله يك امر اجتناب‌ناپذیر است. چون مسابقات حساس ما (ایران) با تیم‌های مرحله پایانی مقدماتی جام جهانی از خرداد شروع می‌شود و برای رویارویی با آنها باید اردوهای تیم ملی از پایان لیگ برتر شروع شود.

حالا پیش‌بینی‌ات از مسابقات لیگ برتر چیست؟

هیچ چیز مشخص نیست.

یعنی چه؟

یعنی با آن که ما يك امتیاز از سپاهان عقب هستیم، هر احتمالی وجود دارد. همان‌طور که گفتم، ما به واسطه فشار بیش از حدی که روی نفراتمان بود، در مسیر رسیدن به اینجا چند بار مصدوم دادیم و این مساله باعث شد تا حدی از رقبایمان عقب بیفتیم یا بهتر است بگوییم که آنها به ما برسند. شاید اگر ما در دو سه مسابقه مصدوم نمی‌داشتیم حالا با 5، 6 امتیاز اختلاف بالاتر از سپاهان می‌ایستادیم اما این امکان وجود نداشت چون آندرانیک تیموریان و مجتبی جباری در اوج مسابقاتمان کنار تیم نبودند و این مساله برایمان مشکل‌ساز شد.

خودت هم در يك برهه مصدوم شدی؟!

بله از ناحیه عضله همسترینگ دچار پارگی شدم.

چرا بی‌احتیاطی کردی و دوباره به میدان رفتی؟

کاملا خوب شده بودم و هیچ اثری از آسیب‌دیدگی نداشتیم. فکر کنم مقابل نفت آبادان بود که به زمین رفتیم و همان ابتدای ورودم متوجه شدم که دوباره عضله‌ام درد گرفت و این بار پارگی‌ام بیشتر شد.

در آن مقطع، دکتر شهاب (پزشک تیم ملی) توصیه خاصی به تو کرده بود؟

خیر. ما با هم دوست هستیم و جدا از مسائل فوتبالی با یکدیگر در ارتباطیم. او وقتی شنیده بود که مصدوم شدم، از من دلجویی کرد، اما این مساله به شکلی دیگر در مطبوعات نقل شد که او از من خواسته در مسابقات شرکت نکنم. این هم یکی از همان اتفاقاتی بود که گفتم از سوی رسانه‌ها علیه استقلال ساخته شد. درواقع آنهایی که قصد ضربه‌زدن به ما را داشتند، از هر بهانه و فرصتی برای رسیدن به هدفشان استفاده می‌کردند.

این‌که نوشته باشند با پای مصدوم بازی نکنی، ضربه‌زدن است؟

خیر، به هیچ وجه! این‌که کادر فنی استقلال را مقابل کادر پزشکی تیم ملی و بالعکس آن قرار می‌دادند، سبب شده بود تا انرژی ما بیشتر از آن‌که صرف تیم و رفع مشکلات خودمان شود، ذهن کادر فنی‌مان را به سمت این قبیل مسائل می‌کشاندند.

در برهه‌ای هم از ناحیه چشم دچار مشکل شدی؟

بله! یک اتفاق عجیب که آن هم از بدشانسی‌ام بود. متأسفانه چشمم عفونت کرد و در حالی که این قبیل عفونت‌ها 2 شبه رفع می‌شوند، چشم من 8، 9 روز با این مشکل همراه بود و حسابی کلافه‌ام کرد.

روی دیدت که تاثیر سوء نگذاشت؟

در آن مقطع برایم مشکل‌ساز شد، اما پس از رفع آن عفونت، آزمایش دادم و شکر خدا هیچ مشکلی نداشتم.

چطور با آن شرایط بازی می‌کردی؟

کار سختی بود، اما چون خواستم توانستم.

کادر فنی مخالفت نمی‌کرد؟

چرا! آنها راضی نمی‌شدند، اما من خودم می‌گفتم که می‌توانم بازی کنم.

یک بار هم به مشکل خوردی.

یادم نیست برابر چه تیمی بود، اما در تهران نبودیم که اواسط بازی در محوطه جریمه حریف توپ زیر پایم بود و دروازه در برابرم، اما چون دید کافی نداشتم، یک ضربه نه‌چندان دقیق به توپ زدم.

در کل انسان پرتلاشی هستی؟

اصلاً دوست ندارم خودم را از حرکت بیندازم. دوست دارم دائم در کار و تلاش و تمرین و مسابقه باشم.

در خانه‌ات هم تا این حد فعال هستی؟

تا حد توانم یا آنجا که به من نیاز باشد، به هیچ وجه کوتاهی نمی‌کنم و در امور خانه هم در خدمت خانواده هستم.

رابطه‌ات با علی حمودی چطور است؟

اوایل فصل، شناخت کافی از هم نداشتیم و حتی در مقاطعی فقط من در ترکیب قرار می‌گرفتم، اما پس از مدتی کادر فنی با تدابیری جدید از هر دوی ما در ترکیب استفاده کرد و کم‌کم توانستیم به نوع کار هم آشنا شویم.

اما حالا همکاری خوبی با هم دارید!

دقیقا، ما تقریبا به هماهنگی لازم دست پیدا کرده‌ایم و وقتی من به سمت وسط متمایل می‌شوم او پشت سرم را در جناح راست پر می‌کند و من هم وقتی او جلو می‌رود تا توپ را ارسال کند جای خالی پشت سرش را پر می‌کنم.

نظرت در مورد او چیست؟

من کوچک‌تر از آن هستم که در مورد فوتبال بازیکنان استقلال حرف بزنم. این را باید از کادر فنی بپرسید اما در مورد شخصیت خود علی باید بگویم پسری مودب و محترم است که ارتباط دوستانه‌ای هم با خود من دارد.

چرا مجیدی از استقلال رفت؟

دلیل اصلی او مشکلات خانوادگی‌اش بود و من هم در همین حد از ماجرا خبر دارم.

اما روایات مختلفی به گوش می‌رسد!؟

من فقط همین قدر می‌دانم.

ارتباطی به بازگشت احتمالی امیر قلعه‌نویی ندارد؟

من بی‌اطل‌ام.

تو که با قلعه‌نویی مشکل نداری؟

خیر! من در استقلال و سپاهان شاگردشان بودم و در هر دو تیم هم همراه آقای قلعه‌نویی قهرمان لیگ برتر شدیم.

او را بیشتر قبول داری یا مظلومی؟

هر دو این عزیزان جزو اسطوره‌های باشگاه استقلال و برای من و طرفداران این تیم محترم هستند. سبک و سیاق کارشان هم مختص خودشان است. به همین خاطر قیاس این دو مربی با یکدیگر هیچ فایده‌ای ندارد و فکر می‌کنم هر دو نفر از بهترین مربیان حال حاضر ایران هستند. کارنامه‌شان هم مشخص است.

فصل بعد با استقلال خواهی ماند؟

من با استقلال قرارداد دارم و امیدوارم شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که بتوانم به فعالیت‌م در این تیم ادامه دهم.

درباره داری 74 حرفی نزدی.

سوالی نپرسیدید.

تحلیل کلیات از آن مصاف چیست؟

این‌که ما انتظار این را داشتیم که سرانجام پس از این همه برد متوالی استقلال بغض فروخورده پرسپولیس‌ها بترکد و یک بار هم ما بازنده شویم، اما انصافا انتظار این نوع باخت را نداشتیم. حداقل خود من انتظارش را نداشتیم و همیشه منتظر یک شکست 2 بر یک یا 3 بر 2 در شرایط عادی بودم.

مگر این باخت در شرایط عادی برایتان رقم نخورد؟

خیر. ما از یک تیم 10 نفری 3 گل خوردیم. آن هم در شرایطی که 2 بر صفر از پرسپولیس پیش بودیم.

خودتان را برنده تصور کرده بودید؟

شاید این مساله دلیل اصلي باخت ما بود. گرچه نباید از انگیزه بالاي بچه‌هاي پرسپوليس هم غافل شد.

يعني کدام نفرات؟

همه‌شان، به‌ویژه علي کریمی و مهدی مهدوي‌کیا. این دو نفر پس از 10 نفره‌شدن پرسپوليس تازه قدرت گرفتند و انگار مطمئن شدند که بازي را خواهند برد.

چقدر وقت داشتی که در خلال بازي آنها را زیر نظر بگیری؟

این نکات را پس از آن که فیلم بازي را نگاه کردم بهتر متوجه شدم.

ایمون زاید چطور؟

او هم آن روز، روزش بود و هر چه توپ به سمت چارچوب دروازه ما زد، گل شد. خلاصه که آن روز به خودمان باختیم نه به پرسپوليس. يعني اگر ما پس از زدن گل دوم بازي را تمام شده تصور نمی‌کردیم شاید به گل‌هاي سوم و چهارم هم می‌رسیدیم اما وقتی حریف را 10 نفره و 2 گل عقب‌تر از خودمان دیدیم نوعي اعتماد به‌نفس کاذب سراغ‌مان آمد و همان بلایی که از آن هراس داشتیم بر سرمان آمد.

اما شما هم 5 داری بود که نباخته و 4 بار آن را برده بودید!

البته. بالاخره این نوار باید جايي قطع می‌شد. چون پرسپوليس هم تیم کوچکی نیست و انصافا در مسابقات قبلي هم آنها بازنده محض نبودند و ما تیم برتر میدان بودیم، اما سرانجام این روند در پنجمین بازي رسمي متوقف شد.

اوضاع تیم ملي را چطور پیش‌بینی می‌کنی؟

فکر می‌کنم ما در گروه‌بندی مرحله پایانی مقدماتي جام‌جهاني قرعه خوبی آوردیم.

سخت‌ترین رقبای ما کدام هستند؟

کره جنوبي و ازبکستان.

يعني با گذر از این دو تیم صعود کرده‌ایم؟

لبنان و قطر هم قطعا براي اوت شدن نیامده‌اند. اما هر چه باشد نسبت به آن دو تیم (کره و ازبکستان) سطح فوتبال پایین‌تری دارند.

پیش‌بینی‌ات چیست؟

ما قطعا 2 بازي سخت را در مقابل کره و ازبکستان پیش رو خواهیم داشت. همچنین این احتمال هم هست که ما در قطر يك بازي دشوار داشته باشیم.

...، اما از پس‌شان برمی‌آییم؟

چاره‌اي جز این نداریم. اگر نخواهیم از سد این حریفان بگذریم باز هم باید صبر کنیم تا 4 سال دیگر که تازه به چنین جایگاهی برسیم و آن وقت است که همه آرزوهایمان، زحماتمان و تلاش‌هایمان به هدر رفته است و این اصلا خوب نیست.

اما کره و ازبکستان و حتی قطر هم چنین تفکراتي دارند؟!

صددرد، آنها هم به فکر رسیدن به جام‌جهاني هستند. به همین خاطر است که ما نباید هیچ چیز را به اما و اگر و مثلا دور برگشت بسپاریم.

جدي ترين حريف مان کدام است؟

فکر مي کنم همان کره جنوبي باشد. گرچه شنیده ام که تیم ازبکستان مقتدرانه ترين صعود به این مرحله را داشته، اما باز هم معتقدم به خاطر شرایط خاص بازی های ایران - کره جنوبي طی سال های گذشته این مسابقه هم برای ما و هم برای کره ای ها از ویژگی و حساسیت بالاتری برخوردار است.

بازی در تهران سخت تر است یا کره؟

قطعا کار کردن برای ما در تهران راحت تر است. چون هرچه باشد تیم کره ای مقابل 100 هزار تماشاگر ایرانی قطعا آن بازی روان خود را ارائه نخواهد کرد. گرچه آنها همگی بازیکنان باتجربه ای هستند، اما با تمام این وجود من فکر مي کنم دشوارترین مسابقه ما در سؤال خواهد بود و از این بابت فکر مي کنم شاید همان مسابقه هم در نهایت تکلیف تیم صعودکننده را مشخص کند.

از میان این 5 تیم کدام تیم ها را شانس اول و دوم مي دانی؟

با آن که ازبکستان در دور قبلي خوب نتیجه گرفته اما فکر مي کنم در این شرایط بخش اصلي کار را تجربه انجام مي دهد و چون کره ای ها طی ادوار گذشته در اکثر مسابقات جام جهانی يك پای ثابت بوده اند به همین خاطر آنها از ازبکستان شانس بیشتری دارند که جزو صعودکننده های قطعي و مستقيم باشند و تیم دیگر هم که مطمئن هستم ایران است. به نظرم در این گروه به ترتیب ایران، کره جنوبي و ازبکستان اول تا سوم مي شوند.

نگران نفوذ قطري ها در کنفدراسيون فوتبال آسيا نيستيد؟

وقتي خودمان بتوانيم تکلیف صعودمان را رقم بزنيم و دنبال اما و اگر و این مسائل نباشيم دیگر نگرانی بابت این مسائل هيچ جايي نخواهد داشت.

کرش را چنين مربی ای مي بيني؟

او عزمش جزم است و حتي اگر ما هم بخواهيم کوتاهی کنیم که البته این را با اطمینان کامل از طرف بچه های تیم ملي مي گویم که به هيچ وجه چنين نيست، کرش هم يك سانتي متر عقب نشيني نخواهد کرد. او قطعا دنبال رسيدن به جام جهانی است و گفته که ما مستحق چنين چیزی هستیم. پس شك ندارم که مي تواند این کار را بکند.

دانشش را دارد؟

او جزو باتجربه ترین مربیان اروپاست که همین حالا مربیان سرشناس تیم های بزرگ در مورد یکسري مسائل با او در ارتباط هستند و از او نظر مي خواهند. او کارش را خوب بلد است.

توانسته با شما هم رابطه دوستانه ای برقرار کند؟

از تک تک بچه های ایرانی در مورد کرش سوال کنید تا متوجه شوید. او حسابي با بچه های تیم ملي رفيق است و ما هم به شدت به او و رفتارش انس گرفته ایم و مدتي که او را نمی بینیم دلمان برایش تنگ مي شود.

پس چرا مظلومي تا این اندازه با برنامه های او مخالفت مي کند؟

آقای مظلومي هم باید به اندازه خودش پاسخگوي هواداران پرشمار استقلال باشد و فکر مي کنم چون نگران تیمش است گاهی اوقات به برنامه های تیم ملي ایراد مي گیرد.

يعني از کرش دلخور نيست؟

خير! اتفاقا پرويزخان از بردهای تیم ملي حسابي خوشحال مي شود، اما فکر مي کنم با برخي اردوهای بلندمدت تیم ملي مخالف بود.

از مشکلات مالي حرفي نمي زني؟

این مشکلات در همه تیم‌ها هست و فقط مختص استقلال نیست.

اما در پرسپولیس کسی حرفی از مشکل مالی نمی‌زند؟

البته بعضی تیم‌ها استثنا هستند اما در مجموع ما مشکلی نداریم یا اگر داریم آن را تحمل می‌کنیم.

محمد رضا مدنی / جام‌جم